

چهره روز

اعطای نشان درجه یک هنری به جهانگیر میرشکاری

جهانگیر میرشکاری، صدابردار و صداگذار باسابقه سینمای ایران به دلیل چهار دهه فعالیت حرفه‌ای چشمگیر مورد تقدیر و تجلیل قرار گرفت. به گزارش روابط عمومی سازمان سینمایی، همزمان با فرارسیدن سالروز آزادسازی خرمشهر و روز مقاومت، بعد از نمایش فیلم «سرزمین خورشید» از جهانگیر میرشکاری، صدابردار و صداگذار باسابقه سینمای ایران تجلیل به عمل آمد و نشان درجه یک هنری به او اهدا شد.
در این مراسم، بعد از اکران نسخه ترمیم‌شده فیلم «سرزمین خورشید» راند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی با اشاره به ویژگی‌های منحصر به فرد جهانگیر میرشکاری گفت که «میرشکاری علاوه بر اینکه در زمینه صدا استادی کم نظیر هستند، بازیگر ویژه‌ای نیز محسوب می‌شوند و بازی شیرین و دلنشین او را در فیلم «میکس» مرحوم داریوش مهرجویی نمی‌توان از یاد برد».
در پایان مراسم نیز با حضور رانددفریدزاده، احمد رضا درویش، حبیب ایل بیگی، مدیرعامل موسسه سینماشهر و جمعی دیگر از مقامات، مدرک درجه یک هنری به جهانگیر میرشکاری اهدا شد.

پرده نقره‌ای

۶ فیلم جنجالی روی پرده می‌آیند

شورای بازبینی فیلم‌های سینمایی با صدور پروانه نمایش ۶ فیلم که بیشترشان از فیلم‌های جنجالی دو جشنواره اخیر هستند، موافقت کرده‌است. به گزارش مهر، فیلم‌های «خدای جنگ» به کارگردانی حسین دارابی، «سونسوز» به کارگردانی رضا جمالی، «جزایر قناری» به کارگردانی عادل مصصوبیان، «بهشت تبهکاران» به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی و «دور، در میانه شرق» به کارگردانی آرش انبسی پروانه نمایش دریافت کردند. هم چنین انیمیشن «ژولیت و شاه» به کارگردانی اشکان رهگذر نیز موافقت شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی را کسب کرد.



«زن و بچه» تیرماه در ایران

تهیه‌کننده فیلم «زن و بچه» خبر داد که این فیلم تیرماه امسال در سینماهای کشور روی پرده می‌رود. به گزارش ایسنا؛ سید جمال ساداتیان گفت که فیلم «زن و بچه» آماده نمایش است و سرگروه آن نیز تقریباً مشخص شده و قرار است از چهارشنبه هجدهم تیر در سینماها اکران شود. او با اشاره به وضعیت نه چندان خوب گیشه حال حاضر سینماها گفت که فیلم «زن و بچه» به لحاظ محتوایی و تکنیکی کلاس متفاوتی دارد و مخاطبان علاقه‌مند به سینما را که مدت‌هاست فیلمی آن‌ها را راضی نکرده، جذب خواهد کرد. به گزارش ساداتیان؛ فیلم‌هایی مثل «زن و بچه»، «پیر پسر» و «غریزه» که در اه اکران هستند می‌توانند اعتماد سازی کنند تا بخشی از مخاطب خاموش به سینما برگردد.

موسیقی

کنسرت موسیقی فیلم‌های هری پاتر

به زودی برای اولین بار در ایران کنسرت ویژه فیلم‌های هری پاتر برگزار خواهد شد. به گزارش ایلنا؛ در این کنسرت- که جزییات اجرای آن به تازگی اعلام شده- تعدادی از موسیقی‌های خاطره‌انگیز و اورجینال فیلم‌های هری پاتر از آهنگسازانی چون جان ویلیامز، پاتریک دوپل، نیکلاس هوپر، الکساندر دسیلا با حضور بیش از ۱۰۰ نوازنده برای حضاران نواخته خواهد شد. در این کنسرت به طور همزمان خاطره‌انگیزترین لحظات فیلم‌های هری پاتر نیز به نمایش گذاشته خواهد شد. کنسرت هری پاتر شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۴ در دوسانس ۱۹:۴۵ و ۲۲:۲۰ در اسپیناس پالاس تهران برگزار خواهد شد.

گالری

«قهرمان شهر من» در بندرعباس

نمایشگاه عکس «قهرمان شهر من» به یاد کشته‌شدگان اسکله رجایی بندرعباس در نگارخانه سیتی سنتر این شهر گشایش یافت. به گزارش ایلنا، نمایشگاه عکس «قهرمان شهر من» با آثاری از مرتضی استادزاده عکاس و مستندساز استان هرمزگان چند روزی است که در نگارخانه خیابانی سیتی سنتر بندرعباس آغاز به کار کرده است. در این نمایشگاه، ۱۸ قطعه عکس مستند از حادثه اخیر بندر شهیدرجایی به نمایش درآمده که نگاهی انسانی، عمیق و دقیق به تلاش‌ها، فداکاری‌ها و بحران زیستن در دل این حادثه دارد. گفتنی است مرتضی استادزاده که به عنوان عکاس خبرگزاری‌های فارس و ایلنا نیز فعالیت کرده، پیش‌تر موفق به کسب مقام اول نخستین دوره جشنواره فیلم ۱۰۵ثانیه‌ای گمبرون شهر برای فیلم کوتاه «هرموز» شده و در دومین دوره این جشنواره نیز جایزه ویژه بخش مستند را برای اثر «رد پای انسان» از آن خود کرده‌است.

وداع

درگذشت سیاوش دیپهیمی نوازنده تار

سیاوش دیپهیمی، مدرس و نوازنده پیشکسوت تار و سه‌تار دار فانی را وداع گفت. به گزارش خانه موسیقی ایران، سیاوش دیپهیمی از چهره‌های شاخص موسیقی‌واز استادان ساز تار و سه‌تار، شامگاه ۴ خرداد در ۸۵ سالگی درگذشت. دیپهیمی که از دهه ۳۰ در زمینه شعر و موسیقی فعالیت داشت، بیش از ۱۰۰ قطعه موسیقی سنتی را خلق کرده بود. کتاب «غیراز تو کجاسراغ دارم ای عشق» از جمله آثار به جای مانده از دیپهیمی است. این هنرمند کتاب «سی و پنج قطعه برای تار و سه‌تار» را نیز در سال ۱۴۰۲ رونمایی کرده بود.

درگذشت پیشکسوت ۹۱ ساله تئاتر

کمال‌الدین شفیعی، کارگردان و مدرس پیشکسوت تئاتر در ۹۱ سالگی درگذشت. به گزارش ایلنا، کمال الدین شفیعی کارگردان و مدرس پیشکسوت تئاتر که عصر روز یکشنبه در ۹۱ سالگی دار فانی را وداع گفت؛ از آغاز امسال در اسایشگاهی در مانزدران زندگی می‌کرد و در همین آسایشگاه نیز از دنیا رفت. او به عنوان یکی از چهره‌های مؤثر در عرصه تئاتر و ادبیات معاصر ایران شناخته می‌شد و به‌ویژه به خاطر ترجمه‌های خود از آثار نمایشی معروف بود.

روایت حسین پاکدل درباره نویسندگی و کارگردانی نمایش «امر ملوکانه»

نقد گذشته، نگاه‌ی به آینده

[شهروند] این روزها شاهد اجرای نمایش «امر ملوکانه» در سالن استاد حمید سمندریان تماشاخانه ایرانشهر هستیم. یک تئاتر عاشقانه به نویسندگی و کارگردانی حسین پاکدل که بازگشت او را به صحنه تئاتر پس از ۹ سال دوری موجب شده است.
باروبانی تاریخی از وضعیت ایران در فاصله پادشاهی ناصرالدین شاه تا احمدشاه قاجار- که البته در این میان آن چه توجه حسین پاکدل را به خود جلب می‌کند، احوالات فروغ السلطنه دختر ناصرالدین شاه است که داستانش که در قالب نامه‌های عاشقانه‌اش به همسرش فرهاد میرزا به نمایش درمی‌آید، تبدیل به تئاتری جذاب درباره وضعیت زنان این سرزمین می‌شود.
یا همان طور که عاطفه رضوی بازیگر نقش دختر ناصرالدین شاه به «ایران تئاتر» می‌گوید: «این نمایش درباره مفهوم عمیق و سنگینی از عشق است که توسط جامعه و اطرافیان برای زنان تعیین شده- و زنان به پای این معنا ایستادگی کرده و معصومانه رنج می‌کشند. مفهومی که گویی نویسنده و کارگردان آن را پیشگویی کرده و باید با گذشت زمان به عمق آن پی ببری».
بگذریم از این‌که این نمایش که تا ۳۰ خرداد هر شب ساعت ۱۹ و ۳۰ روی صحنه خواهد رفت، در کنار نمایش خط روبی و عاشقانه داستان، به رویدادهای تاریخی و حوادث مهم ایران آن دوران نیز اشاراتی دارد. در سطروری که در پی می‌آید، روایت حسین پاکدل را- که در یکی دو هفته گذشته گفتگوهای زیادی با خبرنگاری‌های مهر، صبا، ایلنا، ایرنا و روزنامه‌های مختلف انجام داده- از نوشتن، ساخت و معانی و مفاهیم آشکار و نهان نمایشی می‌خوانیم که با بازی عاطفه رضوی، مرتضی آقاخسینی، صالح میرزاآقایی، سپهرگودرزی، محسن پیرامی، مرضیه پدرقه، اشکان هورسان، یاسمین اربابی، مهدیه خوش فطرت، بیتا آقاچری، صادق اکبری و هاتف‌گودرزی تماشاگران زیادی را این روزها به تماشاخانه ایرانشهر کشانده- و بیشتر همان‌ها را هم راضی از سالن استاد حمید سمندریان به خانه فرستاده‌است...

دوری ۹ساله از صحنه تئاتر

حسین پاکدل تا یک دوره‌ای حضور مستمری روی صحنه تئاتر داشت و می‌توان گفت که هر یکی دو سال یک‌بار تئاتر جدیدی را به صحنه می‌برد.
باین حال بعد از این‌که در سال ۱۳۹۵ شاهد اجرای نمایش «کابوس حضرت اشرف» به نویسندگی و کارگردانی حسین پاکدل بودیم؛ دوران دوری این نویسنده و کارگردان از صحنه تئاتر شروع شد؛ تا امسال که در نهایت، بعد از ۹ سال دوری نمایش «امر ملوکانه» را به اجرا رساند.
از این نظر برای خیلی‌ها این سوال به وجود آمده که علت این فاصله ۹ ساله از صحنه تئاتر چه بود- و آیا این فاصله نزدیک به یک دهه‌ای تأثیری بر روند هنری و مفهومی این چهره تئاتری داشته‌یانه؟

پاسخ حسین پاکدل به این سوال، اما، از سطح یک انتخاب فردی گذر کرده و شرایط عمومی تئاتر ایران در سال‌های اخیر را مورد اشاره قرار می‌دهد: «واقعیت آن است که تا حوالی اجرای «کابوس حضرت اشرف»، روی صحنه بردن تئاتر آسان‌تر از حال حاضر بود و دست‌کم این‌که اداره کل هنرهای نمایشی از برخی آثار حمایت می‌کرد. در طول این سال‌ها، اما، تحت تأثیر شرایط اقتصادی عمومی، تولید اثر فرهنگی و هنری فاخر و جدی گران‌تر و در نتیجه بسیار سخت‌تر شد. البته تئاترهای سبک و سرگرم‌کننده راحت‌تر اجرا می‌شوند، اما تئاتر جدی به دلیل محدودیت ظرفیت‌ها، هزینه‌های بالا و کاهش حمایت‌ها با مشکلات فراوانی روبه‌رو است».

رویاها و کابوس‌های یک دوره تاریخی

یکی از نکاتی که در مورد نمایش «امر ملوکانه» به چشم می‌خورد، وقوع داستان این نمایش در دوره قاجار است. موضوعی که در سال‌های اخیر در تلویزیون و تئاتر و البته در شبکه نمایش خانگی تبدیل به یک اپیدمی شده و بسیاری از هنرمندان

است که زندگی‌اش با امری ملوکانه از سوی سلطان که اتفاقاً پدرش نیز هست، با

دشواری مواجه می‌شود. از این نظر این نمایش با استفاده از نامه‌هایی که از دل

تاریخ باقی مانده‌اند، راوی و بیانگر ظلمی

می‌شود که به این زن تحمیل شده- و در دهه‌های بعد از مقطع داستان نیز

به تعداد زیادی از زنان تکثیر شده است.

این موضوع «امر ملوکانه» را تبدیل به خوانشی عمیق از سرنوشت تراژیک یک زن می‌کند- که در اثر ظلمی شاید خیرخواهانه و مصلحت‌اندیشانه اتفاق افتاده و همین هم نمایش را در کل فراتر از سطح روایت تاریخی، به‌نمایشی درباره زنان بدل می‌کند. نمایشی که در پایان با تصمیم قاطع زن برای به‌دست‌گرفتن سرنوشت خود مفهوم وپیامی را یکال منتقل می‌کند.

حسین پاکدل با اشاره به این‌که «در آن دوره چنین مناسبات و ظلم‌هایی به اندازه امروز ظلم محسوب نمی‌شد» می‌گوید: «در دوره وقوع داستان نمایش شاید پادشاه حتی از نام دخترانش نیز بی‌خبر بود و فرصتی برای رسیدگی به آن‌ها نداشت. در واقع این ظلم بانیستی خیر انجام می‌شد؛ اما در واقع ظلم بود. این یعنی زن داستان ما در محیطی زندگی می‌کند که همه با نیت خیر، رفتاری ظالمانه با زن دارند و نقدی که این نمایش به وضعیت زنان در تاریخ و امروز دارد، بسیار مهم است. اما این زن در پایان با تصمیم قاطع خود برای به‌دست گرفتن سرنوشتش مسیر متفاوتی را انتخاب می‌کند. این نقطه پایان تمایزی بزرگ به آنچه در درام‌های سنتی ایرانی دیده‌ایم دارد و از این نظر نه تنها نقدی بر گذشته است، بلکه نگاهی به آینده نیز دارد».

پاکدل درباره تصویر حسروانه و نویی که «امر ملوکانه» از زن می‌دهد، نیز، می‌گوید: «زن این نمایش برخلاف کلیشه‌های معمول نه منفعل است و نه قربانی، بلکه عامل تغییر و مطالبه‌گری حقوق خود است. بازتابی از یک تحول اجتماعی که آگاهی و نقش پررنگ زنان را به نمایش می‌گذارد. ما سعی کردیم این واقعیت‌ها را در این نمایش



بدون لکنت به تصویر بکشیم، نه از منظر یک نگاه فمینیستی. به هر حال باید توجه داشت که ظلم به زنان خصوصاً در ساختارهای درباری و سنتی فقط از سوی مردان نبوده و زنان هم در این مناسبات نقش داشتند».

تئاتر در آغاز قرن پانزدهم

چهره‌های مطرح تئاتر در سال‌های اخیر تقریباً همگی به نوعی منتقد وضع موجود این هنر بوده‌اند و به‌خصوص در این مدت شاهد انتقادات زیادی از خصوصی‌سازی تئاتر و قطع حمایت‌های دولتی از نمایش‌های جدی بوده‌ایم. حسین پاکدل هم یکی از این منتقدان است که عقیده دارد «تئاتر در حال حاضر دچار گونه‌ای از خودو انهداگی و حشتناک شده است». او می‌گوید: «من هیچ مشکلی نمی‌بینم که فضاهایی خصوصی برای اجرای آثار نمایشی احداث شود. اما توجه داشته باشید که حتی برای بازگشایی یک سوپرمارکت نیز باید استانداردهایی رعایت شود. اما در حال حاضر شاهد عدم وجود نظارت و تبدیل شدن همه چیز به کاسبی هستیم- و متاسفم که بگویم دلیل چنین مناسباتی هیچ‌گاه اثری فاخر تولید نخواهد شد». اما این‌که ریشه مشکلات کجاست و چشم‌انداز واقعی تئاتر ایران در شرایط فعلی چیست؛ حسین پاکدل می‌گوید: «تئاتر ما شبیه «کشت دیم» شده است؛ تولیدات فراوان اما بدون برنامه‌ریزی و هدایت مشخص. در این میان دولت هم سرمایه‌گذاری جدی روی تئاتر نمی‌کند. در این شرایط که آموزش و حمایت کافی نیست، رشد هنرمندان توانمند بعید است. به خصوص که در گذشته بسیاری از هنرمندان با انگیزه‌های اجتماعی و دغدغه‌های فرهنگی وارد عرصه تئاتر می‌شدند و تمرکز بیشتر روی اثرگذاری اجتماعی بود. امروز اما شرایط تغییر کرده و بیشتر به درآمدزایی توجه می‌شود. با این حال تئاتر هنوز صدای خودش را دارد و تأثیرگذار است، چون با انسان و زندگی آنها گره خورده است».



چنین فضایی چالش‌های ویژه‌ای ایجاد می‌کند. سینمای ایران که طی سال‌ها با ظرافت و نگاه هنری خاص خود شناخته شده، ممکن است در این روند تحت تأثیر قرار گرفته و از بازماندگی دقیق و چندبعدی هویت و فرهنگ خود دور شود. این رویکرد می‌تواند به دو آسیب مهم منجر شود؛ اول، کاهش اعتبار و ارزش هنری فیلم‌ها به خاطر قالب‌بندی بیش از حد سیاسی و دوم، محدود شدن حوزه اثرگذاری سینما به پیام‌های سیاسی‌آتی، به جای پرداختن به موضوعات انسانی و جهانی که قابلیت ماندگاری و تأثیرگذاری عمیق‌تری دارند.

با این حال، هنوز هنرمندانی هستند که با استفاده از فرصت‌های جشنواره، به جایگاه‌ه والای سینما به عنوان هنر و رسانه‌ای برای ارتقای فرهنگ و نقد سازنده تأکید می‌کنند...

بخش‌های مختلف جشنواره حضور داشتند که نشان از تأکید جشنواره بر رویکردی سیاسی داشت. هیأت داوران امسال نیز نخل طلای خود را به «یک تصادف ساده» داد- که دومین نخل طلای سینمای ایران پس از فیلم «طعم گیلان» ساخته عباس کیارستمی است. این دوره جشنواره کن نشان داد که رویکرد سیاسی در اولویت قرار دارد و گاه به قیمت نادیده گرفتن نگاه هنری پیش می‌رود. در واقع تمرکز بیش از حد بر رویکردهای سیاسی در جشنواره کن، اگرچه به نمایش بحران‌های جهانی بپردازد، اما می‌تواند آثار و هنرمندان را از عمق و ظرافت‌های هنری فاصله دهد. وقتی سیاست بر هنر غلبه می‌کند، ممکن است فیلم‌ها بیشتر به پیام‌های آشکار و یک‌جانبه محدود شوند و ظرفیت سینما د چار نقصان شوند.

در این میان، حضور پررنگ هنرمندان ایرانی در